

الاستنساخ بين التقنيه و التشريع

سيد على الموسوى السبزواري

بيروت - مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

۱۴۲۳ق.

الاستنساخ بين التقنيه و التشريع، تأليف آيت الله سيد على موسوى سبزواري، به موضوع شبهه سازي و سير تطور اين دانش در غرب و اهدافي که دانشمندان برای تحقيق در اين زمينه داشتند و مهم تر از همه جنبه فقهی آن و تطبيقش با مبانی اسلامی پرداخته است.

این موضوع از جمله مسائل مستحدثه ای است که پیشینه حدیثی، فقهی و تاریخی در مبانی اسلامی ندارد، لذا بحث فقهی در آن بسیار دشوار است.

نگارنده سعی دارد با به کارگیری ذائقه فقهی خود و با استفاده از نگارش های محدودی که در این زمینه وجود دارد، به تحلیل و تطبيق این بحث با مباحث هم گون این موضوع پردازد و از آن حکم فقهی شبهه سازي را استنباط کند.

انگیزه تأليف

نگارنده، به درخواست برخی از دوستان خود و با علم به صعوبت تحقيق در این موضوع، به دليل واضح نبودن اصل موضوع حتی برای کسانی که قایل به اباحه شده اند و احاطه علمی کامل نداشتن به موضوع و کمبود منابع مربوط به الاستنساخ و شبهه سازي کمر همت به تحقيق در این باره بسته است.

ساختار

موضوع مورد بحث به شیوه نقلی تحلیلی و نقدی در سه فصل و یک مقدمه و یک خاتمه مورد مطالعه قرار گرفته است. نگارنده، با استناد به منابع تفسیری، آیاتی را که متناسب با موضوع است و نفیاً و اثباتاً می تواند ایده ای را درباره این موضوع مطرح کند مورد شرح قرار داده است.

وی کمتر از منابع علمی دست اول مربوط به شبهه سازي استفاده نموده است.

در مدخل این نوشتار علم ژنتیک و وراثت را به شناخت ژن‌های مختلف موجودات زنده و نحوه نقل و انتقال آنها تعریف کرده، ویژگی‌های کروموزوم‌های حامل این ژن‌ها را بیان می‌کند. در ادامه، جهت وارد شدن به اصل بحث شرعیّت انجام اعمال ژنتیکی به فواید آن می‌پردازد و نتایج شناخت ژن‌ها را در گیاهان، تولید گیاهان جدید و مفیدتر و در حیوانات تولید مثل حیوانات فربه‌تر و در انسان‌ها ساخت داروهای مختلف برای امراض وراثتی و تولید پرتوئین‌ها و ویتامین‌های مورد نیاز بدن انسان و در نهایت درمان بسیاری از امراض لا علاج ذکر کرده است. وی اصل مطالعه و عمل ژنتیکی را مخالف شرع نمی‌داند.

در فصل اول کلیاتی درباره شبیه‌سازی ارایه می‌کند و پس از تعریف واژه استنساخ و استنسال به این مطلب می‌رسد که مطالعه در دانش شبیه‌سازی از سال ۱۹۷۳م شروع شد و اول از امکان معالجه برخی از بیماری‌ها در حالت جنین آغاز گردید و کم‌کم به این نتیجه رسیدند که هر جنین حامل کروموزوم‌های مختلفی است که با تأثیر بر آنها می‌شود ناهنجاری‌های ژنتیکی را اصلاح کرد.

این مطالعات سال‌ها به طول انجامید تا اینکه در سال ۱۹۹۳ موفق به تلقیح مصنوعی انسان شدند و اخیراً به علم شبیه‌سازی دست پیدا کرده و حیواناتی مانند گوسفند را شبیه‌سازی کرده‌اند.

این پیشرفت، نوید بخش موفقیت‌های زیادی برای درمان بسیاری از نواقص جسمی خواهد بود. نگارنده این کتاب پس از آن به تبیین انواع استنساخ، صورت‌های آن، آثار استنساخ و بسترهایی که برای استفاده از این دانش فراهم شده، پرداخته است.

در ادامه فصل اول مشکلات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، انسانی، علمی، قانونی و فقهی این دانش را بیان کرده و در تلاش است از ادله اثبات معاد جسمانی برای ثابت کردن جواز این دانش بهره ببرد.

سه اشکال اعتقادی مهم مطرح شده درباره شبیه‌سازی، عبارتند از:

۱. شبیه‌سازی، خلق موجود جدید است و این عمل اختصاص به خدا دارد، عمل خدایی است.
۲. تغییر خلقت الهی است و حرام می‌باشد.
۳. از سنت‌های عالم طبیعت خارج است.

نگارنده، اجمالاً چنین پاسخ می‌دهد که خلق در لغت به معنای تقدیر است و به مفهوم ایجاد بعد از عدم است و شبیه‌سازی ایجاد بعد از عدم نیست بلکه از موجودات عالم چیز جدید تولید کردن است. ثانیاً استنساخ تغییر در خلقت نیست.

نگارنده احتمالات سه‌گانه‌ای را که در مورد نحوه تغییر در خلقت وجود دارد بیان می‌کند و می‌گوید استنساخ هیچ یک از این احتمالات را ندارد.

یکی از اشکال‌های مهم اخلاقی که بر شبیه‌سازی گرفته می‌شود خارج شدن انسان از خلق و خوی انسانی است که نگارنده با تحلیل خاصی این را رد می‌کند و معتقد است: هر شخصی، به هر شکلی که به دنیا بیاید اگر تحت قوانین و ضوابط اخلاقی خاصی درآید مشکل اخلاقی و اجتماعی برای خود و جامعه ایجاد نمی‌کند.

وی هم‌چنین وجود قوانین نهادینه شده اخلاقی را ضامن ایجاد سجایای اخلاقی می‌داند و معتقد است نبودن ارتباط بین پدر و مادر و فرزند، در انسان شبیه‌سازی شده ضرری بر این قوانین وارد نمی‌کند و آن را به بچه‌هایی که بدون پدر و مادر بزرگ شده‌اند، تشبیه می‌کند.

در زمینه مشکلات اجتماعی استنساخ، به مواردی اشاره کرده و جواب داده است. از جمله اینکه استحکام اجتماع به روابط افراد جامعه است و روابط افراد جامعه از خانواده شروع می‌شود و اگر رابطه خانوادگی درست نباشد، برای اجتماع نیز اثر مخرب دارد.

نگارنده جواب می‌دهد که: قطع ارتباط خانوادگی می‌تواند از طرق دیگر هم حاصل شود، مانند عارض شدن جنگ، زلزله، سیل و بلایای طبیعی دیگر و این ما هستیم که باید مانع از تخریب‌های اجتماعی شویم. دیگر اینکه استنساخ باعث از بین رفتن امیال و عواطف انسانی می‌شود و انسان شبیه‌سازی شده از داشتن غرائز و عواطف انسانی محروم است و این باعث اختلال در نظام اجتماع می‌گردد. وی جواب می‌دهد انسان شبیه‌سازی شده نیز مانند انسان‌های دیگر دارای غرائز و امیال انسانی است و فرقی از این جهت با متولد شده‌های از مادر ندارد.

در این بخش اشکال‌های متعددی از ناحیه انسانی، از ناحیه ژنتیکی، علمی و قانونی مطرح شده که همه به شکل احتمالات است؛ یعنی احتمال دارد انسان شبیه‌سازی شده چنین اشکالاتی را به وجود آورد. نویسنده هم به شیوه تحلیلی به آنها پاسخ داده است.

بخش دوم کتاب به مسئله شرعیت و احکام فقهی انسان شبیه‌سازی شده پرداخته است. مؤلف در آغاز با اشاره به این نکته که [امام صادق\(ع\)](#) فرموده است: هیچ واقعه‌ای اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه دارای حکم شرعی می‌باشد، به ذکر انواع حکم‌ها در فقه و اصول و تعریف آنها پرداخته است: ۱- حکم تکلیفی. ۲- حکم وضعی. ۳- حکم شرعی تأسیسی. ۴- حکم امضایی. ۵- حکم اولی. ۶- حکم ثانوی.

بعد می‌گوید: استنساخ یک واقعه جدید است که نیاز به حکم دارد. اگر در شرع مقدس دلیلی بر حرمتش بود باید این عمل متوقف شود؛ ولی اگر دلیلی بر حرمت آن یافت نشد حکم به حرمت آن می‌شود. حتی اگر ما شک در حرمت هم داشتیم؛ یعنی احتمال حرمت دادیم ولی یقین به حرمت پیدا نکردیم اصل برائت جاری می‌کنیم.

حال حرمت استنساخ از سه صورت خارج نیست:

۱. حرمت ذاتی داشته باشد. مانند شریک برای خدا قایل شدن و یا بت‌پرستی.
۲. حرمت تشریحی مانند زنا داشته باشد.
۳. حرمت به وسیله ادله ثانوی.

او جواب می‌دهد که استنساخ فی حد نفسه، با قطع نظر از آثاری که بر آن مترتب می‌شود حرمت شرعی ندارد و حرام دانستن آن نیاز به دلیل دارد و اگر دلیلی وجود نداشت، حکم به حرمت و برائت می‌کنیم. وی سپس تلاش می‌کند احتمالاتی که ممکن است به حرمت این عمل منجر شود مطرح کند و پاسخ دهد و لذا شبیه‌سازی را با زنا و نکاح مقایسه و مفهوم زنا و نکاح را بیان کرده تا ثابت کند اولاً، غیر از زناست و ثانیاً، ربطی به عمل نکاح ندارد و تکثیر انسان است؛ نه تولید مثل از طریق جنسی.

او در ادامه اشکال‌های فقهی را که بر عمل شبیه‌سازی شده است پاسخ داده و پس از آن صورت‌های مختلف شبیه‌سازی را به همراه ادله حرمت آن بیان کرده است.

۱. شبیه‌سازی گیاهان.
۲. شبیه‌سازی حیوانات. در هر دو مورد قاعده حرمت را جاری کرده و دلیلی بر حرمت اینها نیافته است.
۳. شبیه‌سازی حیوان و انسان. وی این صورت را حرام می‌داند؛ چراکه انسان را تبدیل به حیوان کردن و بالعکس تغییر در خلقت و حرام است.
۴. شبیه‌سازی انسان. این مورد را محل بحث و جدل می‌داند و به حالات متعددی که برای این نوع تصور می‌شود و احکام آن پرداخته است:

۱. تلقیح مصنوعی بین یک زن معین و یک مرد معین و قرار دادن نطفه در رحم همسر او. این قسم را نیز ملحق به اول کرده و جایز دانسته است.
۲. نطفه مرد و زن در رحم زن دیگر قرار گیرد. این صورت را از نظر انجام عمل تلقیح جایز دانسته و در انتساب فرزند متولد شده به پدر هم تردیدی نکرده؛ ولی در انتسابش به زنی که رحمش را اجاره داده و یا به زنی که از نطفه‌اش

این بچه متولد شده تردید نموده، ولی در پایان فرزند را از مادر صاحب نطفه دانسته است.

۳. اگر نطفه از مرد غیر معلوم و زن معینی ترکیب یابد، ظاهر آن است که نسبتی بین مرد و فرزند برقرار نمی‌شود؛ چرا که وی اصلاً معلوم نیست چه کسی است و زنا هم صورت نگرفته است. ولی نسبتش به مادر مشخص است.

۴. اگر نطفه از مرد و زن نامعین ایجاد شود هیچ نسبی در کار نیست.

او در این بخش ۱۱ حالت را بیان کرده و به تبیین آنها پرداخته است. البته این صور ظاهراً ربطی به شبیه‌سازی ندارد و در بحث تلقیح مصنوعی مورد تحقیق قرار می‌گیرد؛ ولی شاید ایشان به مناسبت، این‌جا ذکر کرده است.

در پایان کتاب، مصادر و منابع تحقیق و در پاورقی، آدرس دقیق آیات، روایات و کتاب‌ها ذکر شده است.